



## دستگاههایی که فعالیت قرآنی دارند، کارآموزش و پرورش را تکمیل نمیکنند



● با توجه به سابقهٔ ممتدتان در فعالیت‌های قرآنی بهتر است در ابتدای این گفت‌وگو، با شما و کارهایتان آشنا شویم.

○ ۲۸ سال سابقهٔ خدمت دارم. نامم محمدرضا و نام‌خانوادگی‌ام پورمعین است. کارم را پس از اتمام تحصیل دبیرستانی در سال ۱۳۶۳ در مدرسهٔ راهنمایی شریعتی منطقهٔ ۹ آموزش و پرورش شروع کردم.

در مدرسه‌ای که مدیر آن بودم، فعالیت‌های قرآنی رشد خوبی داشت و نظر مدیران منطقهٔ ۹ را جلب کرد. در آموزش و پرورش منطقهٔ ۹، مرا به عنوان رییس دوره‌های راهنمایی و دبیرستان انتخاب کردند. پس از یک‌سال، وزارت آموزش و پرورش از بنده برای کار در وزارتخانه دعوت کرد. از سال ۱۳۶۵ در حوزهٔ امور تربیتی و کارشناسی قرآن، همکاری دوستان ارجمندی، مانند استاد خواجه‌وی و استاد وکیل شدم. پس از دو سه سال کار در این بخش، مرا به عنوان کارشناس مسئول این حوزه معرفی کردند. از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ به مدت ۱۰ سال مسئول برگزاری ۱۰ دوره از مسابقات بودم، چهار دوره مسابقات بین‌المللی نیز برگزار کردم.

در سال ۱۳۷۵، به دعوت «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی»، به عنوان مدیرکل مجامع و فعالیت‌های فرهنگی منصوب شدم. به عنوان متولی تشکیل نمایشگاه قرآن، تاکنون چند دورهٔ آن را برنامه‌ریزی، مدیریت و اجرا کرده‌ام. یکی از متحول‌شده‌ترین نمایشگاه‌های قرآنی، مربوط به سال چهارم بود که مقام معظم رهبری هم از آن دیدن کرد. حضور ایشان در نمایشگاه انگیزهٔ مرا مضاعف کرد تا

گفت‌وگو: **رمضانعلی ابراهیم‌زاده گرجی**  
یونس بـا قـری

**محمد رضا پورمعین، کارشناس سرشناس فعالیت‌های قرآنی در گفت‌وگو با فصل‌نامهٔ رشد آموزش قرآن:**

اشاره

محمدرضا پورمعین نامی، آشنا در عرصهٔ فعالیت‌های قرآنی است. پورمعین را به عنوان برنامه‌ریز، مدیر و مجری، و مبتکر در فعالیت‌های تبلیغی و ترویجی حوزهٔ قرآنی می‌شناسند. وی همواره مترصد نوآوری، ابتکار و خلاقیت برای تأثیر در مخاطب از طریق انتقال پیام‌های قرآنی است. با پورمعین در دفتر فصل‌نامهٔ رشد آموزش قرآن به گفت‌وگویی نشستیم. حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

در تمام عرصه‌های هنری، ادبی، فرهنگی، تولیدی، تبلیغاتی و تشکیلاتی مربوط به قرآن فعالیت کنم.

● با توجه به فعالیت گوناگون و متنوع شما در برنامه‌ریزی، مدیریت و اجرا در سازمان‌های متفاوت در حوزه قرآنی در داخل و خارج از کشور، می‌توانید مقایسه‌ای بین وضعیت زمانی که کار را آغاز کردید با وضعیت امروز بفرمایید. به این مفهوم که فعالیت‌های قرآنی در چه عرصه‌هایی راه تکاملی را طی می‌کنند و در چه جاهایی نارسایی وجود دارد؟

○ پرسش شما دو بخش دارد: اول، جمع‌بندی من چیست، و دوم، پیشرفت کار کجاست.

در مورد نکته اول، احساس می‌کنم، فعالیت‌های قرآنی به خود قرآن می‌ماند. وقتی اکنون شما قرآن را تلاوت می‌کنید، احساس دریافت بهتری از ۱۰ سال پیش دارید. قرآن کتاب همه زمان‌هاست. فعالیت‌های قرآنی هم باید همه زمانی باشد؛ در فعالیت‌های قرآنی باید همواره در پی نوگرایی، نوآوری، ابتکار و خلاقیت بود. امروز تصمیم گرفته‌ام وسایل آموزشی، کمک‌آموزشی و اسباب‌بازی برای بچه‌ها تولید کنم. این فکر ۱۰ سال پیش اصلاً به مغزم راه نیافته بود. اما امروز احساس می‌کنم، ما در این حوزه ضعف داریم. اکنون اسباب‌بازی فروشی‌های تهران و شهرستان‌ها چیزی به نام اسباب‌بازی قرآنی ندارند.

چه خوب است این امکانات تولید شوند و در اختیار همه قرار گیرند.

نکته دوم درباره این‌که چه قدر موفق بوده‌ایم، من فعالیت‌های زیادی را از نزدیک دیده‌ام که همه قابل ستایش‌اند و تقدیر، اما به مقدار تلاشی که می‌کنیم، موفق نبوده‌ایم.

● چرا بازدهی به حد تلاش نیست؟

○ اگر تلاش ما صد درصد است، بازدهی کار کمتر از ۵۰ درصد است. زیرا هرچه جامعه بزرگ‌تر و پیچیده‌تر باشد، مسائل و مشکلات آن هم پیچیده‌تر و بیشتر است. لذا برنامه و مدیریت پیچیده و دقیق‌تری می‌خواهد؛ مثل کاری که باید در صداوسیما، دانشگاه‌ها و مطبوعات صورت گیرد. در یک مسجد، جامعه هدف ۱۰۰ نفر یا بیشترند، اما همه بچه‌های یک محل‌اند. در آموزش و پرورش با میلیون‌ها نفر تفکر، خانواده، تربیت، سلیقه و منطقه مواجه هستیم. معلوم نیست تلاش‌ها چه قدر مؤثرند. لذا باید تلاش‌ها را مضاعف کرد. تلاش مضاعف، اطلاعات و آمار دقیق می‌خواهد. باید برنامه کاری داشت. مسئولان باید از برنامه‌ها حمایت کنند.

امکانات کار در حوزه‌های قرآنی آموزش و پرورش را با یک شعبه بانک در یک شهر مقایسه می‌کنیم، می‌بینیم از ابزار و امکانات ابتدایی محروم است؛ وسیله نقلیه، امکانات

پژوهشی، کتابخانه و نیروی کافی برای مأموریت‌ها ندارد. بودجه آموزش و پرورش کافی نیست. هرگز از کارشناسان آموزش و پرورش نشنیده‌ام که بگویند بودجه کافی داریم. در حالی که این مشکل در مراکز صنعتی، اقتصادی، سیاسی و هنری خیلی کمتر است. نمی‌خواهم بگویم مشکل ندارند، اما مشکل خیلی کمتر است.

اما درباره وضع آینده، قرآن با ما کریمانه برخورد می‌کند. ما برای قرآن آبرو تأمین نمی‌کنیم، ما از قرآن آبرو می‌گیریم. اما وقتی بخواهیم با قرآن ارتباط برقرار کنیم، قرآن هم راه ارتباط را باز می‌کند. همان‌طور که اگر سعی کنیم با خدا ارتباط برقرار کنیم، خداوند هم با ما ارتباط برقرار می‌کند. ارتباط دوطرفه است. اگر به صورت درست با قرآن ارتباط برقرار کنیم، خدا به ما اجازه و توفیق می‌دهد که برای قرآن کار کنیم. به هر حال

من با تمام مشکلات موجود و تنوع مسائل جهان امروز، معدل جامعه را در عرصه فعالیت قرآنی بد نمی‌دانم، اما تا خیلی خوب فاصله داریم. باید نقش دستگاه‌های دولتی، کارشناسان، حافظان، و مفسران و قزاق قرآن و خانواده‌ها را مهم و مؤثر بدانیم. افراد باید خودشان بخواهند و حکومت هم به آنان کمک کند.

در مصوبه مجلس آمده است که نیم درصد از درآمد همه سازمان‌ها و دستگاه‌ها به امر آموزش قرآن اختصاص داده می‌شود، امیدواریم این اتفاق بیافتد.

● اگر همین نیم درصد را هم بپردازند خوب است. زیرا در زمینه‌های تحقیقاتی و فرهنگی نیز چنین مصوبه‌هایی را در کشور داشتیم؛ یا اصلاً اجرایی نشد و یا مقدار دریافتی قابل اعتنا نبود.

○ اگر سازمانی ۱۰ میلیارد تومان درآمد داشته باشد، نیم درصدش را برای انجام فعالیت‌های قرآنی‌اش بدهند، بودجه چهار سالش تأمین شده است.

● چه عواملی سبب شد، اولاً با قرآن کریم آشنا شوید و ثانیاً فعالیت خود را تا این حد گسترش بدهید؟

○ بنده در سال ۱۳۴۲ متولد شدم. خود را مدیون همت و تربیت خانواده‌ام می‌دانم. پدر و مادرم مرا از پنج سالگی به جلسات قرآن می‌بردند. هر شب هم به جلسه قرآن می‌رفتم. یعنی کار مستمر و همراه با تشویق بود. هر شب جلسه دو ساعت طول می‌کشید. برای این کار، نباید پدر بنده به میهمانی می‌رفت و هیچ کار دیگری می‌کرد. شعری، آیه‌ای، حدیثی یاد می‌گرفتم و حفظ می‌کردم. یادم می‌آید، پدرم



**کلاس قرآن باید ویژگی‌های  
را داشته باشد؛ مفروش بودن،  
مشخص بودن جایگاه استاد،  
داشتن امکانات صوتی، و  
قفسه‌هایی تمیز که قرآن‌های  
گوناگون و با خطوط متفاوت را  
در دسترس دانش‌آموزان قرار  
دهند. آداب ورود و خروج و  
نشستن نیز باید با آن‌چه قرآن  
می‌طلبد، هماهنگ باشد**

برای تشویق من جایزه تهیه می‌کرد و به استاد می‌داد و استاد هم به من می‌داد.

روی کوره زمین بیش از شش میلیارد انسان زندگی می‌کنند. ۱/۵ میلیارد مسلمان‌اند. از این ۱/۵ میلیارد نفر، عده کمی هستند که توفیق مصاحبت با قرآن نصیبشان می‌شود. خداوند به این عده اجازه ارتزاق از طریق قرآن را می‌دهد و زندگی آنان با قرآن می‌گذرد. آیا توفیقی بالاتر از این متصور است؟ خداوند این نعمت را به شما می‌دهد که مروج آخرین کتاب آسمانی از آخرین پیامبر در دوره آخرین امام [زمان] معصوم (ع) باشید؛ چه توفیق عظیمی!

**بعضی‌ها خلبان‌اند و در ارتفاع‌های بالا روزی خود را تأمین می‌کنند، عده‌ای در قعر دریا به جوشکاری مشغول‌اند، یکی جراح است و دیگری بنا یا معمار. خداوند برای هر کس به گونه‌ای روزی تعیین کرده است. اما به نظر من هوشمندترین افراد انسانی هستند که برای قرآن کار می‌کنند.**

● از چه زمانی برنامه شما از برنامه همراهی با پدر و مادر جدا شد و به صورت مستقل به کلاس آموزشی رفتید؟

○ از ۱۲ سالگی؛ وقتی که نایب رییس جلسه قرآنی شدم. هنوز عکس آن روزها را در محل کارم دارم. حضور و غیاب می‌کردم، امکانات را مهیا می‌ساختم و جلسه را اداره می‌کردم. بعد مسئولیت بزرگ‌تری پذیرفتم و با پذیرش ریاست نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، دو دوره آن را برگزار کردم.

● آن‌چه که شما جرئت، جسارت و هويت قرآنی می‌خوانید، در چه وضعیتی در افراد به وجود می‌آید؟ بسیاری از افراد از همین جلسات قرآنی استفاده کرده‌اند، به قرآن هم علاقه داشته‌اند و دارند، اما تعداد خیلی کمی به درجه ویژه درک از قرآن و فعالیت تمام عیار در این زمینه رسیده‌اند. گرچه افراد از نظر هوش و استعداد متفاوت‌اند، اما آن‌چه ویژگی‌هایی است که می‌تواند این استعدادها بالقوه را به خلاقیت و علاقه بالفعل تبدیل کند؟

○ تفاوت کار ما این بود که هم‌زمان به قرآن و عترت رسول‌الله (ص) توجه داشتیم. تنها به سراغ یکی نمی‌رفتیم. اکنون قریب به ۵۰۰ حدیث از امامان (ع) را از حفظ دارم که در همان سال‌های ۱۰ تا ۱۲ سالگی یاد گرفتیم.

یکی از کارهایی که آدمی را در رسیدن به هدف کمک می‌کند، نیکی به پدر و مادر است که سبب جلب رضایت خداوند می‌شود. وقتی مادرم دستوری به من می‌داد و می‌گفت فلان کار را بکن، در مغز من به کار نیک خداوندی تبدیل می‌شد و ایجاد خستگی نمی‌کرد.

روح و دل آدمی طوری طراحی شده است که اگر دستکاری

نشود، ما را به بهشت می‌برد. با دستکاری خراب می‌شود. مثل غذای نامناسب که معده را ناراحت می‌کند. قلب زلال، ما را به طرف خداوند می‌برد. نوع تربیت سبب شد که قلب خود را در اختیار قرآن قرار دهم. زمانی این کار صورت گرفت که زمان مؤثر تربیت‌پذیری بود. روش‌ها هم در آن زمان، روش‌های مؤثری بودند؛ از پنج سالگی و همراه با تشویق.

● سه دهه از انقلاب اسلامی گذشته است و شما هم در آموزش و پرورش و هم در خارج از این نهاد، فعالیت قرآنی کرده‌اید. گرچه این کارها در نهادهای متفاوت، باید مکمل یکدیگر باشند، نظرتان را درباره نوع کار آموزش و پرورش درباره قرآن بفرمایید و این‌که کدام بار به مقصد می‌رسد؟

○ به نظر من، مقایسه در شرح وظایف قیاس مع‌الفارق است. آموزش و پرورش وظیفه‌ای دارد و دستگاه‌های دیگر هم وظیفه خاص خود را دارند. بهتر است عملکرد هر کدام از دستگاه‌ها را نسبت به شرح وظایف خودشان بررسی کنیم. به نظرم می‌رسد در درون آموزش و پرورش هر بخش کار مربوط به خودش را انجام می‌دهد. بخشی وظیفه تدوین کتاب‌های درسی را دارد، عده‌ای به کار آموزش مشغول‌اند، گروهی کار پرورشی انجام می‌دهند، جمعی امکانات امتحانات را فراهم می‌آورند، و گروهی کار عمرانی می‌کنند.

به نظر بنده، به دلیل بزرگی و حجم آموزش و پرورش، تنها بخشی که از همه بخش‌های دیگر این نهاد موفق‌تر بوده، بخش تألیف کتاب‌های آموزش قرآن است. هیچ‌وقت مشکل کتاب درسی قرآن نداشته‌ایم. بعد از آن، بخش امور تربیتی و فوق برنامه موفق بوده‌اند.

در حال حاضر کلاس قرآن باید مثل آزمایشگاه علوم مجهز باشد، اما امکانات و تجهیزات کمک‌آموزشی مدرسه‌ها ضعیف است. الان کلاس قرآن دیگر کلاس میز و صندلی نیست. اگر هست، میزگرد است که بچه‌ها دور آن می‌نشینند و با داشتن وضو، ضمن رعایت آداب آن، تلاوت زیبا را می‌آموزند. کلاس باید از آزمایشگاه برخوردار باشد. آن‌چه در کلاس انجام می‌شود، باید ضبط و پخش شود. چرا بچه‌ها به زنگ ورزش علاقه دارند و عده‌ای دنبال یک توپ می‌دوند، اما اگر توپ را از آنان بگیرید، پراکنده می‌شوند؟

● جناب‌عالی ضرورت وجود ابزار لازم و کار جمعی را در فعالیت‌های قرآنی چگونه می‌بینید؟

○ ما نقشه‌ای برای کلاس قرآن نداریم. نقشه کلی مدارس چنین است: کتاب‌خانه، اتاق مدیر، انبار، سرویس بهداشتی و کلاس درس. می‌پرسم آیا درس حرفه‌وفن را در کلاس ریاضی برگزار می‌کنیم؟ کلاس قرآن هم باید مختصات خود را داشته



رهبر معظم انقلاب اسلامی چندبار موضوع تأسیس «کرسی تلاوت» را مطرح کرده‌اند، اما هیچ‌کدام از ما که فعالیت‌های قرآنی داریم، از ایشان استفسار نکرده‌ایم که به صورت مکتوب یا شفاهی - منظور معظم‌له چیست و چه باید کرد؟! اما بعد از سخنان رهبری، هر کس تفسیر خود را ملاک عمل قرار می‌دهد



قرآنی هم باید چنین کنند. باید مثل دوی امدادی عمل شود. در دوی امدادی، هر دوندۀ تا مسافت خاص می‌دود و بعد نوبت به نفر دیگر می‌رسد. این کار تا مقصد نهایی ادامه می‌یابد. هم در هزینه و هم در انرژی صرفه‌جویی می‌شود و نتیجه نهایی هم بهتر است. با این الگو، در خیلی از جاها، با صرف هزینه و وقت کمتر می‌توان به نتایج بهتری رسید.

● این نظر و دیدگاه شما، منحصر به برخی از دوستان است و از برخی دیگر به این صورت شنیده نمی‌شود. هر سازمان، دستگاه و نهادی، به نوعی خود را محور فعالیت قرآنی می‌داند. آموزش و پرورش که بنیاد کارهای آموزشی و علمی را در همهٔ زمینه‌ها، از جمله در حوزهٔ قرآنی، پی‌ریزی می‌کند، در حاشیهٔ برنامه‌های نهادهای دیگر قرار می‌گیرد. شاید منشور توسعه‌ی فعالیت‌های قرآنی، مصوب «شورای عالی انقلاب فرهنگی» بتواند قدم‌هایی در این زمینه بردارد، اما آیا می‌تواند؟  
○ امیدوارم چنین شود.

● برخی از دوستان مثل شما از دههٔ ۱۳۶۰ دنبال سازمان مستقلی برای فعالیت‌های قرآنی بوده‌اید. برخی پیشنهاد شما را جدی گرفتند و برخی نیز اعتنایی نکردند. استدلال شما این بود که دستگاه مستقلی باید فعالیت‌های قرآنی را سازمان‌دهی کند. بر فرض این پیشنهاد به تصویب برسد که سازمان مستقل قرآن در کشور تأسیس شود، چه کارهایی می‌خواهد انجام دهد؟

باشد؛ باید مفروش باشد. استاد جایگاه خود را داشته باشد. ورود و خروج و آداب نشستن مراعات شود. ضبط صوت وجود داشته باشد. قرآن‌های متنوع با خطوط متفاوت در قفسه‌ها، تمیز و مرتب قرار داشته باشند. متأسفانه این‌ها را نداریم، اما خوش‌بختانه همواره کتاب درسی قرآن با جلد و با صفحه‌های تصویری همراه با پرسش و گاه همراه با نوار و لوح فشرده آموزشی داشته‌ایم.

پس ما می‌توانیم بخش‌های متفاوت آموزش و پرورش را با هم مقایسه کنیم. برای مثال، در تربیت معلم موفق نبوده‌ایم. نقش مسابقات قرآن کم‌رنگ شده است. چرا مسابقات را در فضای مناسب برگزار نمی‌کنند و جوایز مناسب به برندگان نمی‌دهند؟

متأسفانه، در خارج از آموزش و پرورش، خیلی از دستگاه‌هایی که فعالیت قرآنی دارند، کار آموزش و پرورش را تکمیل نمی‌کنند. این دستگاه‌ها باید، کار آموزش و پرورش را ادامه دهند و با آموزش و پرورش هماهنگ باشند.

اگر بخواهیم در مورد دستگاه‌های دیگر هم حرفی بزنیم، باید بگوییم فعالیت قرآنی آنان تأسیسی است. اگر کار به همین روال ادامه یابد، نتایج همین خواهد بود.

در تمام سازمان‌ها حرف این است: نهادهایی که کار مشابه و موازی انجام می‌دهند، درهم ادغام می‌شوند. در عرصهٔ فعالیت



## اگر وضعیت سامان‌دهی حوزه فعالیت قرآن در

آموزش و پرورش با من باشد؛

۱. مدارس و کلاس‌ها را از نظر فضا و شکل،

برای آموزش قرآن مناسب می‌کنم.

۲. بر تعداد معلمان قرآن می‌افزایم.

۳. در آموزش و پرورش، گروه ملی

قرآن تشکیل می‌دهم؛

۴. قوانین و مقررات دست و پاگیر در حوزه

فعالیت‌های قرآنی را لغو می‌کنم

○ از سال ۱۳۶۵ به صورت جدی همراه با برخی از دوستان دنبال تشکیل سازمان مستقلی برای قرآن بوده‌ایم. در جلسهای با نمایندگان تهران در مجلس شورای اسلامی، از من پرسیدند: می‌خواهید چه کار کنید؟ گفتند: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در تمام کارها منویات قرآنی را دنبال می‌کند، مگر می‌شود وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را منهای قرآن در نظر گرفت؟! این وزارت‌خانه نمی‌تواند بدون مشروعیت، مقبولیت و محبوبیت قرآنی فعالیت کند. می‌گفتند: فعالیت تولید کتاب، تئاتر، ایجاد نمایشگاه و کارهای دیگر در وزارت ارشاد، بدون لحاظ منویات قرآنی ممکن نیست.

عده‌ای بزرگ شدن تشکیلات دولت را بهانه مخالفت خود قرار می‌دادند. بنده می‌پرسم: مگر وزارت تعاون و وزارت رفاه را ایجاد نکردند؟ مگر وزارت جوانان راه‌اندازی نشد؟ سازمان‌هایی که دولت ایجاد کرده است، هر یک به اندازه یک وزارت‌خانه‌اند؛

مثلاً «دفتر مشارکت‌های امور زنان» که مسئولش معاون رییس‌جمهوری است. پس می‌توان نهادها را کم و زیاد کرد. باید در تشکیل یک سازمان یا وزارت‌خانه هدف‌گذاری‌ها و چشم‌اندازها را در نظر گرفت. تولید نرم‌افزار قرآنی ما در حد صفر

است. در تهران، بورس خرید لاستیک اتومبیل، وسایل برقی، لوازم خانگی، خرید کفش زنانه و مردانه مشخص است. از هر کس پرسید نشانی را به شما می‌دهد. حال بنده از شما می‌خواهم دو مورد نشانی در تهران به من بدهید تا بروم از نزدیک محصول قرآنی بخرم. یا خیر، می‌خواهم بروم ببینم، در کدام راسته یا بازارچه محصولات قرآنی عرصه می‌کنند. آیا می‌توانم؟

رهبر معظم انقلاب فرمودند، فضای کشور را قرآنی کنید. فضا با نمادهای عینی، نمادهای تبلیغاتی و رفتارهای اجتماعی، فضای دل‌خواه می‌شود. با این‌گونه فضا سازی، می‌توان فرهنگ‌سازی کرد. در مثل مناقشه نیست. شما اراده کنید که در یک خیابان تهران پیتزا بخورید، کافی است سرتان را برگردانید؛ حتماً یک پیتزافروشی می‌بینید. به همین ترتیب، ذائقه‌ها را سریع، تغییر می‌دهند. بنابراین وزارت‌خانه قرآنی، وظیفه‌اش ایجاد فضای قرآنی در کشور است. یعنی ایجاد فضایی برای تفکر

و خلاقیت در عرصه فعالیت‌های قرآنی.

در تهران بیش از ۳۰۰ هزار سوپرمارکت فعال داریم که به صورت شبکه‌ای عمل می‌کنند و در بهترین جاها قرار دارند و در هر فروشگاه همه‌چیز پیدا می‌شود. چرا نتوانیم برای قرآن این کار را بکنیم؟ الان مساجد، قرآن‌های مناسب، بلندگوی مناسب و رحل قرآن به اندازه کافی ندارند. فیلم، سی‌دی و رایانه مناسب در اختیارشان نیست. استاد لازم و جوایز برای شرکت‌کنندگان ندارند. فضایشان نامناسب، کوچک و گرم است. خب این مشکلات در شأن قرآن نیست. وزارت‌خانه‌ای که تشکیل می‌شود، در قبال مدارس، مساجد و دستگاه‌ها، وظایف مشخص دارد.

باید از قدرت قرآنی هم استفاده کنیم. قدرت قرآنی باید استخراج شود. اگر مردم را قرآنی کنید، یعنی تربیت قرآنی در مردم به وجود آورید، مصرف انرژی کم می‌شود. اختلافات در میان خانواده‌ها کاهش می‌یابد. از تعداد طلاق‌ها کاسته می‌شود. توقع هنگام ازدواج معقول و سن ازدواج به حد مشخص می‌رسد. الان مردم صبر ندارند. سر چهارراه، ۶۰ ثانیه که در زندگی ما به حساب نمی‌آید، تحمل توقف ندارند. زود ناراحت می‌شویم. همه این مسائل به جای خالی فرهنگ قرآنی در فضای کشور باز می‌گردد.

پس این وزارت‌خانه می‌تواند مسئولیت فضا سازی، ایجاد امکانات، حمایت، هماهنگی، تعامل و ابتکار در کارها را به عهده بگیرد. الان صداوسیما قرآنی داریم. اگر وزارت قرآن تشکیل شود، صداوسیما قرآنی ابزار کار وزارت قرآن خواهد بود.

● همه به یاد داریم، در دورانی وقتی قاریان مصری به ایران می‌آمدند، محفل قرائت آنان مملو از جمعیت می‌شد. اما مدتی است که این محافل رونق سابق را ندارند. دلیل آن چیست؟

○ کار فرهنگی در یک حوزه، نمی‌تواند همیشه یکنواخت اجرا شود. اگر یک‌سال برنامه‌ای را با یک روش خاص اجرا کردیم و جواب گرفتیم، سال بعد این وضعیت جواب‌گو نیست. من زمانی که مسئول نمایشگاه قرآن شدم، تصمیم گرفتم برای تغییر مخاطب، جای نمایشگاه را عوض کنم. ایراد می‌گرفتند که چرا این کار را می‌کنید؟! می‌گفتم: خانواده‌های حزب‌اللهی، هر جا نمایشگاه بگذارید می‌آیند. نیاز به دعوت‌نامه و تبلیغ آن چنانی هم ندارند. بر این اساس، نمایشگاه قرآن را از محل مجلس شورای ملی سابق در بهارستان، به موزه هنرهای معاصر بردم. باز انتقاد کردند که موزه جای افراد خاص آن چنانی است. پاسخ دادم: این جا هم متعلق به جمهوری اسلامی است. این جا پایتخت کشور است. نمایشگاه قبلی در منطقه ۱۲ برگزار شد و حالا در منطقه ۶ پایتخت آن را دایر کرده‌ایم؛ هیچ فرقی ندارد. مردم تمام مناطق شهروندان تهرانی‌اند.

اما بسیاری از کسانی که به دیدن نمایشگاه قرآن در موزه هنرهای معاصر می‌روند، به احتمال زیاد به بهارستان نمی‌آیند. در همین نمایشگاه بود که مقام معظم رهبری برای دیدن آمدند. بعد از موزه، نمایشگاه را در مرکز آفرینش‌های کانون فرهنگی و هنری کودکان و نوجوانان، در خیابان حجاب دایر کردند و چند سالی است که مصلا بزرگ تهران میزبان این نمایشگاه است. به نظر من، مصلا انتظار از این نمایشگاه را جواب نمی‌دهد.

الآن در نمایشگاه، قرآن مطرح نیست، بلکه قرآن‌نویس مطرح می‌شود. باید در نمایشگاه قرآن، سالن بهشت درست کنند. نشان دهند که نامه دست راست و نامه دست چپ چیست. باید حیواناتی را که در قرآن از آن‌ها نام برده شده است، جمع کنند. تجسمی از داستان یوسف را در سالی به‌وجود آورند. ایجاد این کارها، نمایشگاه قرآن را پرشور و جذاب می‌سازد. نمایش انواع کتابت برای سال اول نمایشگاه بود. موضوع قاری قرآن هم مثل کار نمایشگاه است. هر سال یک یا چند نفر را از مصر آوردید، الان دیگر آن کار به آخر رسیده است و مردم از آن استقبال نمی‌کنند. سطح آگاهی و فن قرائت قاریان ما نیز افزایش یافته است و از قاریان مصری در تلاوت کمتر ندارند. اگر کلاه مخصوص مصری‌ها و شل را بر تن قاریان ایرانی کنند، مثل همان‌ها می‌شوند. به هر حال وقتی این کار جواب نمی‌دهد، نباید برای تکرار آن اصرار کرد. استمرار در کار فرهنگی هدف است، اما ابتکار و خلاقیت مهم‌تر است. آن چه به نام «کرسی تلاوت» برگزار می‌شود، هیچ فرقی با قرائت ندارد. باید هر بار از زبان تکنیک روز استفاده کرد. همین برنامه قرائت قاریان در ترکیه برگزار می‌شود و از استادان ایرانی هم دعوت می‌کنند. هزاران نفر از مردم پول می‌دهند و در این مراسم شرکت می‌کنند.

من در نمایشگاهی در سئول، مرکز کره جنوبی، شرکت کردم. ما را وارد تونلی شیشه‌ای کردند. سروته تونل را بستند و گفتند چند لحظه تحمل کنید، زیرا بیرون خیلی شلوغ است. در این نمایشگاه لوازم الکترونیکی می‌فروختند. یک مرتبه صدای شکستن شیشه همه‌جا را پر کرد. همه وحشت کردیم. درهای شیشه‌ای را که داشتند باز می‌کردند، فکر کردیم در حال شکستن هستند. نگو که این کار فقط برای تبلیغ یک تکنیک بود. وقتی بیرون رفتیم، باند بلندگویی بزرگ‌تر از یک میز را مشاهده کردیم که از آن به زبان انگلیسی گفتند: «آن چه شنیدید صدای سونی بود.» از آن وقت تا نام سونی را می‌شنوم، یاد آن صدا و فروریختن شیشه‌ها برایم تداعی می‌شود. امروز در هر کاری، تبلیغ همراه با هزینه و نوآوری است. و تبلیغ تکنیک روز را می‌خواهد.

● جمهوری اسلامی می‌خواهد در ایران جامعه قرآنی ایجاد کند. جامعه قرآنی ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دارد. می‌دانیم مردم می‌خواهند آن چه در کشور اتفاق می‌افتد، با آن چه قرآن می‌گوید و می‌خواهد، منطبق باشد. در حالی که فکر می‌کنند چنین نیست و حداقل برای بخشی این پرسش مطرح است که پس از ۳۰ سال، تا چه حد توانسته‌ایم به سمت جامعه قرآنی حرکت کنیم. یعنی تا چه اندازه حرف‌ها و عمل‌ها یکی شده است؟ فکر می‌کنم این موضوع مهم‌تر از آن چه می‌فرمایید، برای جلب مخاطب اهمیت دارد.

○ من نمی‌خواهم بگویم کار نشده یا کار خوب نشده است. شما رادیوی قرآن و سیمای قرآن را دارید. عده‌ای از برنامه‌های این دو استفاده می‌کنند. این عده دیگر برای شنیدن صدای قاریان به مسجد نمی‌آیند. اما مردم به نمایشگاه می‌آیند، در مسابقات قرآن به‌طور جدی شرکت می‌کنند و محصولات قرآنی را تهیه می‌کنند. در این فعالیت‌ها ضرری متوجه تولیدکننده نیست. اما ما و شما انتظار اوج و شکوه را داریم. به وجود آمدن اوج و شکوه، فن خاص خود را می‌طلبد.

در ایران ده‌ها کانال تلویزیونی دشمنان دریافت می‌شود. اکنون تبلیغ مسیحیت می‌کنند. تاکنون زرتشتی‌ها و یهودیان تبلیغ نمی‌کردند، اما در حال حاضر آن‌ها هم تبلیغ می‌کنند.

اما بدانید مسیحی‌ها ده‌ها نوع انجیل چاپ می‌کنند؛ از جمله انجیل برای بارمن‌ها (مشروب‌فروش‌ها). انجیل سربازان آمریکایی در عراق، با انجیل سربازان آمریکایی در

افغانستان متفاوت است. انجیل محاوره (خیابانی) چاپ کرده‌اند. برای دختران جدا و برای پسران جدا انجیل دارند. همه این انجیل‌ها را دیده‌ام، زیرا در این باره تحقیق کرده‌ام. حال شما این وضع را با آن چه در سیمای جمهوری اسلامی می‌گذارد، مقایسه کنید. فقط قرائت قرآن ۱۰ تا ۱۲ نفر از سیمای پخش می‌شود. این کار چه معنی دارد؟ این همه قاری داریم، چرا فقط روی همین عده معدود انگشت گذاشته‌اند؟ بگذارند تلاوت کسانی که خیلی حرفه‌ای نیستند، اما درست می‌خوانند هم پخش شود. گفتن اذان هم در انحصار عده معدودی است.

● از وقتی که به مجله خودتان داده‌اید، متشکریم. ○ بنده از شما سپاس گزارم.



از سال ۱۳۶۵، به‌صورت جدی همراه با برخی از دوستان دنبال تشکیل سازمان مستقل قرآنی بوده‌ایم. از نظر بنده این سازمان وظیفه دارد؛

● فضای کشور را قرآنی کند؛

● امکانات روزآمدی برای تولید

نرم‌افزارهای قرآنی تدارک ببیند؛

● از فعالان قرآنی حمایت و میان آنان

هم‌اندگی و تعامل ایجاد کند؛

● محیط را برای خلاقیت و نوآوری در

امر آموزش، تبلیغ، ترویج و تولید فردی

و جمعی مهیا سازد